

به نام پروردگار یکتا

توسعه فراستمند؛ الگوئی بدیل برای ایران

از مجموعه پروژه‌های

«طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»

دکتر عباس منوچهری

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر سید محسن علوی‌پور

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر سعید نریمان

عضو هیئت علمی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

توسعه فراستمند؛ الگوئی بدیل برای ایران

مؤلفان: عباس منوچهری،

سید محسن علوی پور، سعید نریمان

با همکاری: سید محمد بهشتی شیرازی، مهدی مظفری نیا

با مشارکت: آزاده شعبانی، الهام حبیبی، فرید خاتمی،

سید محمد موسوی، علی خالندی

ناظر طرح: فرشاد مومنی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سید محمد حسین محمدی

صفحه آرا: جابر شیخ محمدی

طراح جلد: فرزاد جلیلیان

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

فروشگاه کتاب: خیابان کریم خان زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

فهرست

۷	سخن پژوهشگاه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: بیان مسئله
۲۴	پرسش های تحقیق
۲۵	فرضیه تحقیق
۲۷	اهداف تحقیق
۲۸	نتایج کاربردی این تحقیق چیست ؟
۲۹	فصل دوم: روش شناسی و روش تحقیق
۳۰	روش برای توسعه اندیشی: فراستمندی
۳۸	بعد گذرا و ناگذرای هستی
۴۱	روش تحقیق
۴۲	قلمرو زمانی و مکانی تحقیق
۴۲	پیشینه تحقیق در داخل و خارج از کشور
۶۵	مروری انتقادی به تاریخ توسعه
۶۷	سیر تطور نظریه های توسعه
۷۱	باز طرح تفکر توسعه: جنگ جهانی دوم - ۱۹۶۰ میلادی
۷۴	اوج سرخوشی مدرنیزاسیون و خوش بینی به توسعه: ۱۹۶۰ - ۱۹۷۰ میلادی
۷۹	وابستگی و اندیشه توسعه بدیل: ۱۹۷۰ - ۱۹۸۰

۴ توسعه فراستمند؛ الگوئی بدیل برای ایران

- ۸۷ نئولیبرالیسم، توسعه پایدار و تنگناهای آن: ۱۹۸۰-۱۹۹۰ میلادی
- ۹۳ توسعه انسانی، حکمرانی خوب، پایان جنگ سرد، آغاز جنگ‌های جدید: ۱۹۹۰-۲۰۰۰
- ۱۰۱ پیچیدگی، پیوستگی و توسعه جهانی: ۲۰۰۰
- ۱۱۱ جمع‌بندی
- ۱۱۴ فصل سوم: مبانی نظری
- ۱۱۵ ۱.۳ نظریه توسعه در روایتی دلالتی: یک پارادایم شیفت
- ۱۱۷ ۲.۳ دلالت‌های توسعه فراستمند
- ۱۱۹ بخش اول: چالش‌ها و بحران‌ها
- ۱۱۹ ۱.۱ چالش‌های فراروی توسعه در کشورهای کم‌توسعه
- ۱۲۵ کم‌توسعه‌گی اقتصادی
- ۱۳۱ کم‌توسعه‌گی سیاسی
- ۱۳۷ کم‌توسعه‌گی اجتماعی
- ۱۴۲ ۲.۱ زیست بوم ایرانی و اوتیسم فرهنگی
- ۱۶۰ جمع‌بندی
- ۱۶۲ بخش دوم: ریشه‌ها
- ۱۶۲ مقدمه
- ۱۶۶ ۱.۵ انسان و تکنولوژی: روایت یک خدشه
- ۱۷۶ ۲.۵ تاریخ اکنون و دیالکتیک جنگ و نظم
- ۱۹۸ جنگ و توسعه در قرن بیستم
- ۲۰۲ جمع‌بندی
- ۲۰۷ بخش سوم: دلالت بنیادین
- ۲۰۷ ۱.۳ انسان و توسعه
- ۲۰۹ «حق اخلاقی» در «توسعه انسان»
- ۲۱۱ چالش‌ها و نارسایی‌های «حق توسعه»ی مبتنی بر «حقوق بشر»

۲۱۵	«حق زیستمانی انسان»
۲۱۶	اشراق، پدیدارشناسی و انسان شناسی اگزیستانسیال
۲۲۰	"حضور"، زمان و آزادی
۲۲۱	۱. حضور
۲۲۴	هرمنوتیک واقعیت‌مندی
۲۲۶	۲. زمان
۲۲۹	۳. بروز
۲۲۹	هرمنوتیک امکان
۲۳۱	عقل سرخ به مثابه در عالم بودن انسان
۲۳۵	«حق زیستمانی»، بدیل «حق اخلاقی»
۲۳۷	۲.۳. ساختمان‌دنی انتقادی
۲۳۷	مسئله عاملیت
۲۴۰	مسئله ساختار
۲۴۲	رابطه عاملیت و ساختار
۲۴۷	جمع‌بندی
۲۵۰	بخش چهارم: دلالت هنجاری
۲۵۰	۱.۴. علوم انسانی فرونتیک
۲۵۵	تحول از دانش فرونتیک به علوم معطوف به قدرت: شکل‌گیری رویکرد نظری مدرن
۲۶۹	کارآمدی علم: راه‌گشایی برای بازگشت به فرونیسیس
۲۷۵	پیشگامان علوم انسانی فرونتیک
۲۷۹	رویکردهای نوین در علوم انسانی فرونتیک
۲۸۹	جمع‌بندی
۲۹۲	بخش پنجم: دلالت راهبردی
۲۹۲	۱.۵. دلالت‌های راهبردی و سیاست‌گذاری اجتماعی
۲۹۵	مبانی هنجاری سیاست‌گذاری اجتماعی

۶ توسعه فراستمند؛ الگویی بدیل برای ایران

۳۰۰	سیاستگذاری اجتماعی و توسعه مدنی
۳۰۲	۲.۵ سیاستگذاری و مسئله فقر
۳۰۴	۳.۵ سیاستگذاری اجتماعی و مسئله اُتیسم فرهنگی
۳۰۵	آموزش زیست بوم آگاهی
۳۰۶	نشانه های ابتلای نظام برنامه ریزی در ایران به اُتیسم
۳۱۱	نتیجه
۳۱۹	منابع

سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که برمبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی سازی علوم انسانی شکل گرفته و برپایه خرد جمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایه این منطق شکل گرفت که برای بومی سازی و کاربردی سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران

نظرافکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربرست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در

چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربرست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتیبانی

بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول گرا و هم افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی-پژوهشی، علمی-تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن

پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به شمار می آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب های مجموعه طرح های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان که طی این سال ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانه علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل نامه های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین المللی فارابی و ده ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله ای پرتال در رده بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه هزار نفره متشکل از استادان صاحب نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت سازی و ارتقای توانمندی به شمار می آید.

بدیهی است با همه مزیت های این مجموعه طرح ها و آثار، بخش هایی از این کتاب ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه وری بیشترین آثار در چاپ های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی جویی دغدغه استاد زنده یاد دکتر صادق آیینه وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر

«اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنای سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سید محمد رضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سید محمد رحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سید سجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سید محسن علوی‌پور، جناب آقای محمد علی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

پیشگفتار

«توسعه» مصداقی از ایجاد تغییرات مطلوب در یک دنیای زندگی است که ابعاد اقتصادی - معیشتی (مادی)، فرهنگی (شکوفائی استعدادهای انسانی)^۱ محیط زیستی را بصورت توأمان دربر دارد. لذا «توسعه» بعنوان فرآیند ایجاد تغییرات برای زندگی بهتر مستلزم ایجاد تغییراتی متعادل در کلیت زیست جهان و در وضعیت شهروندان بعنوان محور و بنیاد هر حیات اجتماعی است. به این معنا «توسعه» در متوازن ترین شکل خود توسعه مدنی، یعنی سامان زندگی مشترک بهتر است.

مطالعات توسعه در ایران در حال حاضر تحت عناوین چهارگانه «توسعه اقتصادی»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه سیاسی»، و «توسعه فرهنگی» در چارچوب تقسیمات آکادمیک در دانشکده های مختلف در دانشگاه های گوناگون دنبال می شود. این در حالی است که در حال حاضر و در پی تحولات فکری و شکل گیری نظریه های جدید توسعه، رویکرد غالب در مطالعات توسعه، مطالعات میان رشته ای است. البته در چهارگانه توسعه در ایران هریک از این ابعاد منطق دیسیپلینی خاص خود را دارند؛ هر چند در نهایت هریک وجهی از زندگی مدنی را سامان می بخشند، مرتبط یا غیر مرتبط با دیگر وجوه.

در این طرح مطالعاتی، از یکسو با توجه به معضلات توسعه در ایران، و از سوی دیگر با عطف توجه و بهره گیری از تحولات فکری در مطالعات انسانی - اجتماعی،

۱. فر = فراتر، و هنگ = حرکت.

سعی شده است پارادایم جدیدی در توسعه اندیشی در ایران ارائه شود. لذا، ساختار این طرح بصورت بنیادی برای ارائه یک «نظریه توسعه» تمهید شده است. با این دغدغه ابتدا با بیان مسئله و سپس مشخص کردن روش شناسی و روش تحقیق، مبانی نظری برای صورتبندی نظریه توسعه مدنی با منطق فراستمندی تدوین شده است.

در این پژوهش، با اتکاء به تحولات نظری در حوزه مطالعات توسعه و نیز احیاء رویکرد «حکمت عملی» (فرونسیس / فراستمندی)، و با استفاده از الگوی نظریه‌ورزی هنجاری (normative) که همانا اندیشه ورزی دلالتی - مدنی است، نظریه فراستی توسعه بعنوان نظریه بدیل توسعه ارائه شده است. مقومات نظری این نظریه این است که توسعه را اساساً مصداقی از تغییر مطلوب لحاظ می‌کند؛ لذا، مفهوم بنیادین در توسعه، «تحول» است. تحول پدیدیده‌ای است که هم در گذشته نهفته است و هم در آینده «ممکن» است. تحول در گذشته را میتوان شناخت و به چرائی و چگونگی و معنا و تضمینات آن پرداخت. تحول در آینده را میتوان اندیشید و چگونگی تحقق آن را ترسیم کرد. بین دو وجه مذکور نسبتی بنیادین وجود دارد. این نسبت، نسبتی بنیادین و هستی‌شناختی است که باید به عرصه تفکر وارد شود. چه اینکه، بدون شناخت از تحول در گذشته نمی‌توان به چگونگی تحول در آینده پرداخت. این نسبت بنیادین هستی‌شناسانه است، یعنی نسبتی است بین «آنچه بوده است» و «آنچه می‌تواند باشد». برنامه‌های توسعه عموماً از این ملاحظات غافلند. شناخت «آنچه بوده است» و چگونگی آن‌گونه که شده است، با دانش جامعه‌شناسی تاریخی و تاریخ فکری ممکن است. از طرف دیگر، آنچه می‌تواند باشد با «آینده اندیشی هنجاری» ممکن است، آینده اندیشی که میتوان آن را فراستمندی نامید. همین نوع اندیشه ورزی بعنوان نظریه توسعه فراستمند، دستور کار این پژوهش بوده است.

این پژوهش با همکاری آقای مهندس سید محمد بهشتی شیرازی، آقای دکتر سید محسن علوی پور، آقای دکتر سعید نریمان، و آقای دکتر مهدی مظفری نیا انجام شده است. کمال سپاس را از این همکاران گرانقدر دارم. همچنین مشارکت آقای دکتر فرید خاتمی، آقای دکتر علی خالندی، خانم دکتر الهام حبیبی؛ و دانشجویان محترم، سرکار خانم آزاده شعبانی و جناب آقای سید محمد موسوی در این پژوهش شایان سپاس است. برای همه این سروران سلامت و سرور از خداوند متعال خواستارم.

عباس منوچهری

۱۴۰۰/۲/۱

تهران

فصل اول

بیان مسئله

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم سازمان برنامه در ایران شکل گرفت و تا انقلاب اسلامی به تدوین شش برنامه عمرانی^۱ پرداخت. دو برنامه اول، هفت ساله بود و مابقی پنج ساله؛ که ششمین برنامه با انقلاب اسلامی تلاقی داشت و اجرا نشد. برنامه اول در ۲۶ بهمن ۱۳۲۶، دوم در ۸ اسفند ۱۳۴۶، سوم در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۶، چهارم در ۲۷ اسفند ۱۳۴۷، پنجم در ۲۱ اسفند ۱۳۵۱ و ششم که اصلاح برنامه پنجم بود در ۱۳۵۶ شمسی تصویب شدند. این برنامه‌ها با محوریت نقش دولت و همانطور که از نامشان پیدا است، با هدف رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری صنعتی بودند. پس از انقلاب، در ادامه برنامه‌های توسعه، دوره جمهوری اسلامی را می‌توان به چهار مرحله تقسیم کرد: مرحله اول در دوره حیات امام خمینی (ره) و جنگ و در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۵۸ شمسی؛ مرحله دوم مقارن با خاتمه جنگ و وفات امام خمینی (۱۹۸۹ میلادی / ۱۳۶۸ شمسی) و تغییر رهبری و اصلاحات اقتصادی دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۶۸ شمسی؛ مرحله سوم دوره اصلاحات سیاسی و جنبش معروف به دوم‌خرداد در زمان

۱. البته در اینجا «عمرانی» به معنای development و همان توسعه است که آن زمان «عمرانی» ترجمه می‌شد و منظور لزوماً فعالیت‌های ساختمانی و زیرساختی نیست.

ریاست جمهوری سید محمد خاتمی در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۷۶؛ مرحله چهارم که با انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری و انتخاب محمود احمدی‌نژاد، از سال ۱۳۸۴ شمسی به بعد آغاز شد.

در دوران ۱۰ ساله اولیه، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلایل گوناگون، کشور فاقد یک برنامه مصوب توسعه بود. تنظیم و اجرای برنامه‌های پنج ساله بعد از انقلاب به شکل برنامه‌های توسعه‌ای و متفاوت از برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب، از سال ۱۳۶۸ شمسی آغاز شد. اجرای برنامه دوم توسعه، به علت طولانی شدن فرایند بررسی و تصویب لایحه برنامه، با وقفه یک ساله از سال ۱۳۷۴ شمسی آغاز شد. برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۹ شمسی، و برنامه چهارم در سال ۱۳۸۴ شمسی و برنامه پنجم در سال ۱۳۸۹ شمسی اجرایی شد. هر کدام از این برنامه‌ها، به نحوی متأثر از الگوهای توسعه جهانی بود. با این وجود، با اینکه برنامه‌ریزی در ایران به موازات ظهور مطالعات توسعه در جهان شروع شده و تطور داشته است، و تجربیات شکست و توفیقات نظریات و الگوی‌های توسعه به آن منتقل شده است، توفیق عملی نیافته و در نتیجه ایران هنوز جزء کشورهای توسعه یافته محسوب نمی‌شود و در گزارش‌های توسعه بانک جهانی^۱ و گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد^۲ «در حال توسعه» به شمار می‌رود.

بدین ترتیب تجربه تاریخی توسعه و شکست آن در ایران، و ظهور آسیب‌ها و ناهنجاری‌های بسیار ناشی از این تجربه، برفقدان التفات به بنیاد اندیشگانی توسعه و بر پذیرش بدون فراست نظریات و الگوهای توسعه دلالت دارد. چرا که ضمانت توفیق بواسطه هنجارمندی، زمینه‌مندی و مسئله‌مندی در بنیاد اندیشگانی آن تمهید می‌شود. از سوی دیگر، این تجربه ناموفق در

1. The World Bank World Development Report (WDR)

2. UNDP Human Development Report

شرایطی رخ می‌دهد که ایران یک گستره فرهنگی تمدنی با میراث تاریخی ریشه داری است و ذخیره اندیشگانی غنی‌ای دارد که می‌تواند آینده و دنیای دیگر را در پیش راه خود و جهان داشته باشد. از این رو، علاوه بر ضرورت اجتناب از تکرار این تجربه ناکام، دستیابی به جهانی دیگر متناسب با ظرفیت‌های تاریخی امکان‌های آینده و شرایط جهانی، التفات به بنیاد اندیشگانی هنجاری، زمینه‌مند و مسئله‌محور را برای طرح آینده بدیل ضروری می‌کند. لذا توجه به شیوه طراحی الگوی دستیابی به توسعه فراستمند در ایران که پاسخی به ضرورت پیشگفته است، لازم می‌باشد. پرداختن به توسعه و الزامات آن در کشوری مانند ایران که با وجود برخورداری از یک فرهنگ غنی، به واسطه عقب ماندن از تحولات تکنولوژیک و نوآوری‌های مدرن، در عصر حاضر در زمره کشورهای توسعه نیافته دسته‌بندی می‌شود، نیازمند کاوش در ریشه‌های این وضعیت است. توسعه‌یافتگی به مثابه صورت مطلوب زیست اجتماعی در قرن بیستم و پس از آن، دچار مناقشات فراوانی در مبنای نظری و فکری بوده است و اگرچه در موج نخستین آن، اقتصاد و رشد اقتصادی به عنوان تنها شاخص دستیابی به توسعه در جهان مطرح می‌شد، در دهه‌های اخیر و با چالش‌هایی که در نتیجه این نگاه تک‌خطی به توسعه در کشورها و مناطق مختلف جهان پدید آمده است، دیدگاه‌های متنوع دیگری نیز عرضه شده است که می‌بایست در فهم، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری توسعه مورد توجه قرار گیرد.

بدین ترتیب تجربه تاریخی توسعه و شکست آن در ایران، و ظهور آسیب‌ها و ناهنجاری‌های بسیار ناشی از این تجربه، بر فقدان التفات به بنیاد اندیشگانی توسعه و بر پذیرش بدون فراست نظریات و الگوهای توسعه دلالت دارد. چرا که ضمانت توفیق بواسطه هنجارمندی، زمینه‌مندی و مسئله‌مندی در بنیاد اندیشگانی آن تمهید می‌شود. از سوی دیگر، این تجربه ناموفق در

شرایطی رخ می‌دهد که ایران یک گستره فرهنگی تمدنی با میراث تاریخی ریشه داری است و ذخیره اندیشگانی غنی‌ای دارد که می‌تواند آینده و دنیای دیگر را در پیش راه خود و جهان داشته باشد. از این رو، علاوه بر ضرورت اجتناب از تکرار این تجربه ناکام، دستیابی به جهانی دیگر متناسب با ظرفیت‌های تاریخی امکان‌های آینده و شرایط جهانی، التفات به بنیاد اندیشگانی هنجاری، زمینه‌مند و مسئله‌محور را برای طرح آینده بدیل ضروری می‌کند. لذا توجه به شیوه طراحی الگوی دستیابی به توسعه فراستمند در ایران که پاسخی به ضرورت پیشگفته است، لازم می‌باشد.

توسعه‌نیافتگی به مثابه روی دیگر توسعه‌یافتگی از جمله مباحثی است که در نظریه‌های مطرح‌شده از سوی متفکران در کشورهایی با شرایط مشابه ایران مورد توجه جدی بوده است و در آن، از جمله به اهمیت پرهیز از تقلید صرف از رویکردهای مسلط غربی در اندیشه‌ورزی توسعه تاکید می‌شود. این رویکرد در ایران نیز تأثیرات قابل توجهی را بر جای گذاشته است، اما مع‌الاف باید اذعان کرد که همچنان آنچه در الگوی توسعه‌یابی در کشور در نظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران غلبه دارد، نگاه خطی مدونی است که توسعه را در رشد اقتصادی و دستاوردهای آن خلاصه می‌کند. با این حال، فشارهای ناشی از پیامدهای چنین توسعه‌ای در بخش‌های مختلف مادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... باعث شده است که برنامه‌ریزان توسعه ناگزیر از تصدیق اهمیت و جایگاه وجوه بدیل دیگر در توسعه باشند. در این چارچوب، در سال‌های اخیر - با وجود تداوم غلبه نگاه اقتصادمحور - مباحث جدی در زمینه نظریه‌های بدیل توسعه مورد توجه اندیشمندان و متفکران بوده است.

در چنین وضعیتی، موج‌های دیگر نظریه‌پردازی توسعه نیز در کشور مورد توجه قرار گرفته است که در فصل آینده مرور انتقادی این نظریه‌ها، وجوه مثبت و منفی آنها را نشان خواهد داد. به واسطه چنین پرداختی از نظریه‌های مختلف